

تحلیل راهبردی روابط ایران و چین: از اتحاد ناپایدار تا شراکت جامع استراتژیک

چکیده:

روابط ایران و چین در طول زمان همواره با تغییرات و چالش‌هایی همراه بوده است. این پژوهش به بررسی تحول روابط دو کشور از یک اتحاد ناپایدار به سمت شراکت جامع راهبردی می‌پردازد. پرسش اصلی این پژوهش آن است که چگونه روابط ایران و چین از یک اتحاد ناپایدار به شراکت استراتژیک تبدیل شده است؟ تحلیل SWOT در پژوهش حاضر نشان داد که روابط دو کشور به تدریج از سطحی محدود و تاکتیکی به شراکت جامع و راهبردی پیش رفته است. این تحول نه از مسیر ائتلاف‌های ایدئولوژیک، بلکه بر اساس منافع ملی، ضرورت‌های ژئوپلیتیکی و واقع‌گرایی راهبردی شکل گرفته است. در این روند، عواملی مانند وابستگی متقابل در حوزه انرژی، نیازهای اقتصادی مکمل و همسویی در برابر فشارهای بین‌المللی نقش مهمی ایفا کرده‌اند. با این حال، موانعی نظیر ضعف استراتژی پایدار در سیاست خارجی ایران، ناکارآمدی نهادها و بی‌اعتمادی عمومی نسبت به نیت‌های چین، مانع تحقق کامل ظرفیت‌های این روابط شده‌اند. همچنین تهدیداتی چون رقابت قدرت‌های منطقه‌ای و تعلل ایران در اصلاحات اقتصادی، آینده روابط را با چالش‌هایی مواجه کرده است. در نهایت، تعامل ایران و چین از فرآیندی تدریجی از ارزیابی‌های متقابل به هم‌افزایی هدفمند پیش رفته است و می‌تواند به الگویی نوین از شراکت قدرت‌های غیرغربی در نظم بین‌المللی جدید تبدیل شود. این پژوهش با روش، توصیفی-تحلیلی با رویکرد تحلیلی SWOT انجام شده است.

کلیدواژه‌ها: ایران، چین، اتحاد ناپایدار، شراکت جامع استراتژیک، سیاست خارجی ایران.

۱. مقدمه

روابط ایران و چین، به دلیل پیوندهای تاریخی، منافع اقتصادی مشترک و سیاست‌های راهبردی دو کشور، همواره از اهمیت ویژه‌ای برخوردار بوده است. در دهه‌های اخیر، به ویژه پس از اعمال تحریم‌های اقتصادی گسترده علیه ایران، چین به عنوان یک شریک کلیدی، نه تنها در حفظ تجارت خارجی ایران بلکه در ارائه راهکارهایی برای مقابله با تحریم‌ها و توسعه اقتصادی کشور نقش‌آفرینی کرده است.

مدیریت روابط دوجانبه از ارکان اصلی دیپلماسی هر کشور برای تنظیم سیاست خارجی و تعامل مؤثر در عرصه بین‌الملل است. ایران نیز با درک اهمیت این مسئله، به‌ویژه در مواجهه با قدرت‌های بزرگ، همواره تلاش کرده است رویکردی متوازن و مبتنی بر منافع ملی در پیش گیرد. اهمیت این روابط از آن‌روست که قدرت‌های بزرگ نه تنها تعیین‌کنندگان اصلی نظم جهانی‌اند، بلکه سیاست‌های آن‌ها تأثیر مستقیم بر موقعیت منطقه‌ای و ظرفیت‌های توسعه‌ای ایران دارد. به عنوان یک بازیگر مهم در غرب آسیا، ایران ناگزیر از تعامل با این قدرت‌ها در سطوح مختلف سیاسی، اقتصادی و امنیتی است. تجربه تاریخی روابط ایران با قدرت‌های بزرگ نشان می‌دهد که غفلت از موازنه منافع و فقدان نگاه واقع‌گرایانه، پیامدهای پرهزینه‌ای به دنبال داشته است. از این‌رو، مدیریت این روابط نیازمند دیپلماسی هوشمند، محاسبه‌گر و انعطاف‌پذیر است تا بتواند در برابر فشارها مقاومت کرده و فرصت‌ها را به نفع کشور بهره‌برداری کند. راهبرد عقلانی و واقع‌گرایانه در مواجهه با قدرت‌های جهانی، تضمینی برای حفظ منافع ملی و ارتقای جایگاه ایران در نظم بین‌الملل خواهد بود.

در میان قدرت‌های جهانی، چین در سال‌های اخیر به سرعت جایگاه ویژه‌ای در سیاست خارجی ایران پیدا کرده است. چین و ایران، به عنوان دو قدرت مهم در شرق و غرب آسیا، می‌توانند مکمل یکدیگر در حوزه‌های اقتصادی، سیاسی و حتی راهبردی باشند. با این حال، روند همکاری‌های تهران و پکن تاکنون بر اساس معیارهای شراکت کاملاً راهبردی نبوده و در مواردی، وابسته به متغیرهای خارجی، نظیر تحریم‌ها و تغییرات در نظام بین‌الملل، دستخوش نوساناتی شده است. با این وجود، چین طی دو دهه گذشته به بزرگ‌ترین شریک تجاری ایران تبدیل شده و این روند نشان‌دهنده ظرفیت‌های بالای همکاری‌های دوجانبه است.

واقعیت این است که روابط ایران و چین را نمی‌توان صرفاً در چارچوب وابستگی یک طرفه یا فرصت‌طلبی طرف مقابل تحلیل کرد. آنچه این روابط را تا به امروز در مسیری نسبتاً پایدار نگاه داشته، اصولی نظیر احترام به حاکمیت ملی، عدم مداخله در امور داخلی و تأکید بر منافع متقابل بوده است. با توجه به این پیش‌زمینه، مسئله اصلی این پژوهش آن است که روند گذار روابط ایران و چین از همکاری‌های پراکنده و مقطعی به سوی یک شراکت جامع استراتژیک چگونه شکل گرفته است و چه عوامل داخلی و بین‌المللی در این فرآیند نقش داشته‌اند. اهمیت پرداختن به این مسئله از آن‌روست که درک دقیق سازوکارهای این تحول می‌تواند مبنای سیاست‌گذاری پایدار و عقلانی ایران در تعامل با قدرت‌های جهانی به ویژه در شرایط پسانتحریم باشد. پژوهش حاضر با هدف تحلیل روندها و متغیرهای مؤثر بر توسعه روابط راهبردی ایران و چین، ضرورت دارد تا با رویکردی تحلیلی، به تبیین این تحول در

بستر تحولات نظم بین‌الملل پردازد. به لحاظ زمانی، پژوهش حاضر بازه‌ای گسترده از سال ۱۹۴۹ (سال تأسیس جمهوری خلق چین) تا ۲۰۲۵ را در بر می‌گیرد؛ از نظر مکانی، تمرکز بر روابط دوجانبه ایران و چین در زمینه‌های سیاسی، اقتصادی و ژئوپلیتیکی در بستر منطقه‌ای آسیای غربی و شرقی خواهد بود؛ و از نظر موضوعی، مطالعه حاضر بر الگوی تحول‌یافته «شراکت راهبردی جامع» بین دو کشور متمرکز است. با توجه به این ملاحظات، پرسش اصلی این پژوهش آن است که روابط ایران و چین چگونه از یک اتحاد ناپایدار به سمت شراکت جامع استراتژیک تحول یافته است؟

۲. پیشینه

شعبان‌زاده و همکاران (۱۴۰۳) در پژوهشی با عنوان «قدرت نرم چین و راهبرد آن در غرب آسیا» به این نتیجه رسیدند که رشد اقتصادی چین باعث حساسیت در سطح جهانی نسبت به توسعه این کشور شده است. وفامند و ارغوانی پیرسلامی (۱۴۰۳) در پژوهشی با عنوان «رقابت‌های منطقه‌ای و دیپلماسی اقتصادی چین در خلیج فارس» بیان کردند که توجه بیشتر قدرت‌های بزرگ به مؤلفه‌های اقتصادی و نفوذ در مناطق استراتژیک موجب تشدید رقابت‌ها شده است. شریعتی و ترکی (۱۴۰۳) در پژوهشی با عنوان «ارزیابی تطبیقی رویکرد ایران و چین در انتقال قدرت» اشاره کردند که چین با اقدامات اقتصادی مانند ابتکار کمربند و راه، هژمونی آمریکا را به چالش کشیده است، در حالی که ایران بیشتر به ایده‌پردازی و کنش‌گفتاری پرداخته است. ترکی و قربانی شیخ‌نشین (۱۴۰۲) در پژوهشی با عنوان «ظرفیت‌های اقتصادی و سیاسی ایران در مشارکت با چین» تأکید کردند که روابط ایران و چین در یک دهه اخیر وارد مرحله «مشارکت جامع راهبردی» شده است. درج (۱۴۰۲) در پژوهشی با عنوان «بررسی همکاری‌های ایران و چین» به این نتیجه رسید که ایران و چین به‌عنوان بازیگران تجدیدنظرطلب در عرصه بین‌الملل به دنبال تغییر نظام تک‌قطبی هستند.

مشوانی و همکاران^۱ (۲۰۲۴) در پژوهشی با عنوان «نفوذ چین در خاورمیانه» نتیجه گرفتند که میانجی‌گری چین در آشتی ریاض-تهران، تلاش برای تقویت نفوذ دیپلماتیک و قدرت نرم این کشور را نشان می‌دهد. مختاری^۲ (۲۰۲۴) در پژوهشی با عنوان «توسعه روابط ایران و چین» سه مزیت نسبی ایران را شامل تأمین انرژی پایدار، دسترسی به حمل‌ونقل به آسیای مرکزی و مدیترانه شرقی، و ایجاد امنیت در خاورمیانه دانست. حسین و همکاران^۳ (۲۰۲۴) در پژوهشی با عنوان «توافق چین و ایران» به این نتیجه رسیدند که چین روابطش با ایران و پاکستان را برای تأمین منافع ملی خود تنظیم کرده است. طاهر و همکاران^۴ (۲۰۲۴) در پژوهشی با عنوان «روابط چین و ایران و تأثیر آن بر ثبات منطقه‌ای؛ الزامات راهبردی و پیامدهای ژئوپلیتیکی» به این نتیجه دست یافتند که روابط ایران و چین از

^۱. Mashwani et al

^۲. Mokhtari

^۳. Hussain et al

^۴. Tahir et al

منظرهایی چون قدرت نرم، دیپلماسی اقتصادی، قرارداد ۲۵ ساله، نقش چین در توازن منطقه‌ای و همکاری‌های راهبردی، بر ثبات منطقه تأثیر راهبردی دارد.

با وجود مطالعات ارزشمند و متنوعی که در سال‌های اخیر درباره روابط ایران و چین انجام شده است، همچنان خلأهای پژوهشی مهمی در زمینه بررسی روند تاریخی و تحلیلی این روابط احساس می‌شود. بسیاری از تحقیقات موجود عمدتاً به تحلیل مقطعی و موردی پرداخته‌اند و تمرکز اصلی آن‌ها بر جنبه‌های خاصی مانند قدرت نرم، دیپلماسی اقتصادی، یا رقابت‌های منطقه‌ای بوده است؛ اما کمتر پژوهشی به بررسی پیوسته و جامع مسیر تحول روابط ایران و چین از دوران پس از انقلاب کمونیستی چین تاکنون، به ویژه از زمان شکل‌گیری شراکت استراتژیک در سال ۲۰۱۶ به بعد، پرداخته است. این کمبود در تحلیل‌های گذشته موجب شده که درک دقیق‌تری از چگونگی تغییر و تحول این روابط در طول زمان و نیز تعاملات پیچیده سیاسی، اقتصادی و نظامی دو کشور شکل نگیرد. همچنین، بسیاری از مطالعات به صورت جزئی و بدون چارچوبی منسجم، فرصت‌ها و چالش‌های پیش‌روی این همکاری را تحلیل کرده‌اند و در نتیجه تصویر جامعی از تأثیر این روابط بر تحولات منطقه‌ای و بین‌المللی ارائه نشده است.

پژوهش حاضر در صدد پاسخگویی به این خلأ است و تلاش می‌کند با رویکردی جامع‌نگر و تحلیلی، روند تکامل روابط ایران و چین را در ابعاد مختلف به صورت تاریخی مورد بررسی قرار دهد. این پژوهش با تمرکز بر گذار روابط دو کشور از سطح همکاری‌های پراکنده و محدود به شراکت جامع راهبردی، فرصت‌ها و چالش‌های موجود را در بستر تحولات ژئوپلیتیکی منطقه‌ای و جهانی تحلیل می‌کند. به عبارت دیگر، این تحقیق فراتر از مطالعه موقعیت‌های لحظه‌ای و واکنشی، مسیر توسعه روابط را به صورت پویا و در بستر عوامل داخلی و خارجی مورد ارزیابی قرار می‌دهد و تلاش دارد سازوکارهای اثرگذار بر این روابط را به شکلی نظام‌مند ترسیم کند. در واقع، نوآوری این پژوهش در همین نگاه جامع و تحلیلی نهفته است؛ پژوهش حاضر برای نخستین بار با استفاده از چارچوبی تاریخی-روندی، تحول روابط ایران و چین را از سال ۱۹۴۹ تا سال ۲۰۲۵ به طور پیوسته و با در نظر گرفتن تحولات کلان جهانی و منطقه‌ای واکاوی می‌کند. همچنین این تحقیق در پی آن است که ضمن شناسایی عوامل مؤثر در تغییر ماهیت این روابط، چارچوبی تحلیلی برای درک چالش‌ها و فرصت‌های پیش‌رو ارائه دهد. این رویکرد نه تنها به پرکردن خلأهای مطالعات پیشین کمک می‌کند بلکه امکان بهره‌برداری راهبردی از این روابط را برای سیاست‌گذاران داخلی و تحلیلگران بین‌المللی فراهم می‌سازد. به طور خاص، این پژوهش بر تأثیر متقابل دو بازیگر مهم آسیایی در نظم بین‌الملل تأکید دارد و سعی می‌کند تا ابعاد سیاسی، اقتصادی و امنیتی را در چارچوبی هم‌زمان و در بستر تحولات ژئوپلیتیکی منطقه‌ای مورد کنکاش قرار دهد، موضوعی که تاکنون کمتر مورد توجه جامع قرار گرفته است.

۳. چارچوب نظری

تحلیل SWOT یکی از مهم‌ترین ابزارهای استراتژیک است که در ارزیابی و برنامه‌ریزی به کار می‌رود و در بسیاری از حوزه‌ها، از جمله سیاست‌گذاری، مدیریت و توسعه استراتژیک، به طور گسترده‌ای استفاده می‌شود. این تحلیل شامل چهار بخش اصلی؛ نقاط قوت، نقاط ضعف، فرصت‌ها و تهدیدها است (Puyt et al, 2023: 2). نقاط قوت و ضعف به عوامل داخلی اشاره دارند که در درون یک کشور قرار دارند، در حالی که فرصت‌ها و تهدیدها به عوامل خارجی که می‌توانند بر وضعیت یک کشور تأثیر بگذارند، اشاره دارند. در حوزه سیاست‌گذاری، تحلیل سوات به طور خاص می‌تواند ابزاری قدرتمند برای درک و ارزیابی وضعیت موجود و طراحی استراتژی‌های آینده باشد. به ویژه در سیاست‌های عمومی، این تحلیل می‌تواند به شناسایی نقاط قوت و ضعف در سیاست‌های اجرایی، نهادهای دولتی و ساختارهای حکومتی کمک کند (Farrokhnia et al, 2024: 462).

نقاط قوت ممکن است شامل منابع مالی، زیرساخت‌های موجود یا حمایت اجتماعی باشند، در حالی که نقاط ضعف ممکن است ناشی از ضعف‌های ساختاری، کمبود منابع یا ناکارآمدی‌های سیاستی باشند. در سطح بین‌المللی، فرصت‌ها و تهدیدها معمولاً به عواملی نظیر روندهای جهانی، تغییرات سیاسی و اقتصادی و تحولات بین‌المللی اشاره دارند که می‌توانند تأثیرات مستقیمی بر سیاست‌های کشورها داشته باشند. به طور مثال، تغییرات در سیاست‌های تجاری جهانی، ائتلاف‌های بین‌المللی یا تحولات در زمینه‌های زیست‌محیطی می‌توانند فرصت‌ها یا تهدیدهایی برای سیاست‌های داخلی یک کشور به وجود آورند (Heriyanto et al, 2022: 2269). با استفاده از تحلیل سوات، سیاست‌گذاران می‌توانند چشم‌اندازهای دقیق‌تری از چالش‌ها و فرصت‌های موجود به دست آورند و استراتژی‌های مؤثری برای مقابله با تهدیدها و بهره‌برداری از فرصت‌ها طراحی کنند (Irawati et al, 2024: 928).

بر همین اساس، چارچوب نظری این پژوهش مبتنی بر مدل تحلیل SWOT تنظیم شده است تا بتواند به صورت نظام‌مند نقاط قوت، ضعف، فرصت‌ها و تهدیدهای روابط ایران و چین را بررسی کند. استفاده از این چارچوب تحلیلی، به پژوهش این امکان را می‌دهد تا نشان دهد چگونه این روابط، از سطحی ناپایدار و محدود، به شراکتی جامع و هدفمند در سطوح مختلف سیاست بین‌الملل ارتقا یافته‌اند؛ تحولی که در پیوندی مستقیم از اتحاد ناپایدار تا شراکت جامع استراتژیک قرار دارد.

در این چارچوب، متغیر مستقل پژوهش شامل عوامل بیرونی و درونی مؤثر بر روابط دوجانبه است که در قالب فرصت‌ها و تهدیدها (عوامل بیرونی) و نقاط قوت و ضعف (عوامل درونی) طبقه‌بندی می‌شوند. به عبارت دیگر، سیاست‌ها و راهبردهای کلان داخلی ایران و چین، تحولات ژئوپلیتیکی منطقه‌ای و جهانی، فشارهای بین‌المللی و همچنین ظرفیت‌ها و محدودیت‌های اقتصادی، سیاسی و نظامی هر دو کشور به عنوان متغیرهای مستقل در نظر گرفته می‌شوند. متغیر وابسته، کیفیت و عمق روابط ایران و چین است که با مفهوم شراکت جامع استراتژیک شناخته می‌شود و نشان‌دهنده سطح همکاری‌ها و تعاملات دوجانبه در عرصه‌های مختلف است.

همچنین، متغیرهای مداخله‌گر شامل دیپلماسی هوشمند، همکاری‌های اقتصادی مشترک، نقش قدرت نرم چین و تحولات منطقه‌ای و بین‌المللی هستند که نقش میانجی در تسهیل یا محدودسازی روند تحول روابط را ایفا می‌کنند. این متغیرهای مداخله‌گر تأثیرگذار بر چگونگی تبدیل نقاط قوت و فرصت‌ها به مزیت‌های واقعی و نحوه مدیریت نقاط ضعف و تهدیدها هستند. به این ترتیب، چارچوب نظری پژوهش با تمرکز بر تحلیل SWOT و با لحاظ این متغیرها، زمینه‌ای جامع برای درک روند تکاملی روابط ایران و چین از اتحاد ناپایدار تا شراکت استراتژیک فراهم می‌آورد.

در کنار این چارچوب، فرضیه اصلی پژوهش بر این است که «تعامل پویا و متقابل میان عوامل داخلی و خارجی (نقاط قوت، ضعف، فرصت‌ها و تهدیدها)، موجب تحول روابط ایران و چین از سطحی ناپایدار به شراکتی جامع و مستحکم شده است.» این فرضیه مبتنی بر این است که توسعه روابط فراتر از واکنش به فشارهای خارجی بوده و نشان‌دهنده انتخاب راهبردی دو کشور برای بهره‌گیری از ظرفیت‌ها و فرصت‌های موجود است.

در مقابل، فرضیه‌های رقیب نیز به دقت بررسی می‌شوند؛ نخست آنکه «این روابط صرفاً پاسخی تاکتیکی به تحریم‌ها و فشارهای بین‌المللی است و فاقد بنیان راهبردی واقعی است.» فرضیه دوم بیان می‌کند «عوامل محیطی و فشار بازیگران جهانی مانند آمریکا و اتحادیه اروپا تعیین‌کننده اصلی مسیر روابط ایران و چین هستند و عوامل داخلی نقش محدودی دارند.» پژوهش حاضر این فرضیه‌ها را نقد و تحلیل می‌کند تا نشان دهد روند شکل‌گیری شراکت استراتژیک پیچیده‌تر از این دیدگاه‌های تک‌بعدی است و متأثر از تعامل چندجانبه عوامل متعدد درونی و بیرونی به همراه نقش برجسته متغیرهای میانجی می‌باشد.

۳-۱. دوره اتحاد ناپایدار (۱۹۸۹-۱۹۴۹):

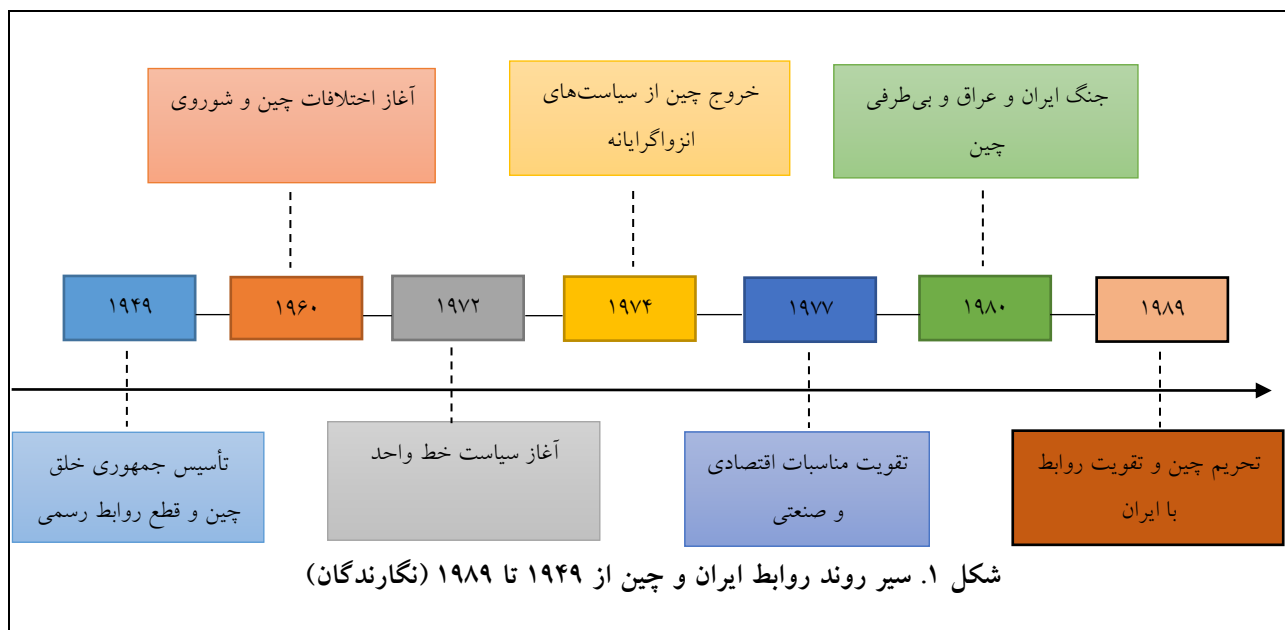
پس از پیروزی انقلاب کمونیستی چین در سال ۱۹۴۹ و شکل‌گیری جمهوری خلق چین به رهبری مائو تسه‌تو، ساختار نظام بین‌الملل وارد مرحله‌ای از قطب‌بندی شدید ایدئولوژیک در قالب جنگ سرد شد. در این بستر، سیاست خارجی ایران در دوره محمدرضا شاه، گرچه تحت نفوذ آمریکا تعریف می‌شد، اما در عمق خود تابع ملاحظات ژئوپلیتیکی و ترس از گسترش کمونیسم بود (Zhou, 2024: 607).

ایران که به واسطه هم‌مرزی با شوروی و نزدیکی جغرافیایی به چین، خود را در معرض تهدید مستقیم ایدئولوژی کمونیستی می‌دید، از همان آغاز از به رسمیت شناختن جمهوری خلق چین خودداری کرد و به جای آن، روابط رسمی خود را با تایوان حفظ نمود. نگرانی از نفوذ کمونیسم باعث شد سیاست خارجی ایران به‌طور کامل در مدار غرب و به‌ویژه آمریکا قرار گیرد، و روابط ایران و چین وارد فاز رکود و قطع تعامل دیپلماتیک شود (Caba-Maria, 2021: 246).

با این حال، تغییراتی که در اوایل دهه ۱۹۷۰ در سطح جهانی رخ داد، زمینه بازنگری در این وضعیت را فراهم ساخت. شکست انقلاب فرهنگی چین، تجدیدنظر در سیاست‌های اقتصادی پکن، و تمایل آمریکا برای خروج از بحران ویتنام از طریق نزدیکی به چین، دریچه‌ای تازه به سوی همکاری‌های راهبردی گشود. هم‌زمان، گسترش شکاف میان چین و شوروی، که با استقرار ۴۲ لشکر شوروی در مرزهای چین همراه بود، پکن را به سوی توازن‌سازی تهدیدات از مسیر همکاری با کشورهای غیرکمونیزست سوق داد (Belal, 2020: 49).

در این چارچوب، ایران به عنوان متحد آمریکا و قدرت منطقه‌ای در خاورمیانه، جایگاه ویژه‌ای یافت. به‌ویژه آنکه چین نیز از حمایت گروه‌های انقلابی در منطقه، مانند چریک‌های ظفار، عقب نشست و نشان داد که دیگر تهدیدی مستقیم برای ایران محسوب نمی‌شود. به تدریج شاه ایران این فضا را فرصتی برای توسعه مناسبات اقتصادی و ایفای نقش میانجی در تقابل‌های ژئوپلیتیکی یافت. او ضمن بهره‌گیری از روابط با چین برای فشار بر غرب در زمینه قیمت نفت، تلاش داشت ایران را به بازیگری فعال در موازنه‌سازی میان قدرت‌های بزرگ تبدیل کند (Kauffman, 2022: 1).

مطابق شکل ۱، در سال ۱۹۷۲، نظریه «خط واحد» مائو شکل گرفت که محور آن ائتلافی میان آمریکا، چین، ژاپن، پاکستان، ایران، ترکیه و اروپای غربی بود. این استراتژی، علاوه بر کاهش تهدید شوروی برای چین، به ایران نیز فرصت توسعه اقتصادی بیشتر از مسیر افزایش صادرات نفت را داد. اما این روند با وقوع دو تحول بنیادین در سال ۱۹۷۹ متوقف شد. از یک‌سو، انقلاب اسلامی در ایران، سیاست خارجی کشور را از اتحاد با غرب به تقابل با آن تغییر داد و از سوی دیگر، چین با سیاست درهای باز، رسماً وارد مدار همکاری با آمریکا شد. در نتیجه، جایگاه پیشین ایران به عنوان واسطه قدرت‌های بزرگ از بین رفت و روابط تهران - واشنگتن نیز از همکاری به خصومت تبدیل شد (Fan, 2022: 53).



با توجه به شکل ۱، می‌توان دریافت که این روابط تحت تأثیر تحولات منطقه‌ای و بین‌المللی، از فراز و فرودهای قابل توجهی برخوردار بوده است. برای درک بهتر پویایی این روابط و شناسایی عوامل مؤثر بر آن، تحلیل SWOT به جهت بررسی ابعاد راهبردی این تعاملات در جدول ۱ آورده شده است.

جدول ۱. تحلیل SWOT روابط ایران و چین (۱۹۴۹-۱۹۸۹)

بُعد/مؤلفه	بحث کلیدی
نقاط قوت	علاقه مشترک به کاهش نفوذ آمریکا و شوروی در منطقه
	موقعیت راهبردی ایران برای نفوذ غیرمستقیم چین در خاورمیانه
	بی‌طرفی چین در جنگ ایران و عراق و حفظ روابط اقتصادی
	تلاش ایران برای توسعه روابط اقتصادی با چین و شناخت ظرفیت‌ها
نقاط ضعف	سطح پایین مبادلات اقتصادی با وجود روابط دیپلماتیک
	سیاست‌های احتیاطی چین در برقراری روابط راهبردی پس از انقلاب.
	گسست روابط و توقف پروژه‌ها پس از تغییر رژیم در ایران
	وابستگی چین به غرب و رفتار محتاطانه با ایران
فرصت‌ها	تحریم چین پس از تیان‌آن‌من و گرایش به کشورهای مستقل از غرب
	ظرفیت چین در توسعه زیرساخت و صادرات فناوری
	هم‌سویی ایران و چین در مخالفت با سیاست‌های غرب
	نیاز ایران به بازسازی پس از جنگ و تمایل به همکاری خارجی
تهدیدها	فشار آمریکا برای محدودسازی همکاری چین با ایران
	بی‌ثباتی داخلی ایران پس از انقلاب و قطع روابط با غرب
	نگرانی چین از صدور انقلاب اسلامی به مناطق مسلمان‌نشین شرق آسیا
	تأثیرپذیری هر دو کشور از رقابت‌های بلوک شرق و غرب
منبع: یافته‌های نگارندگان	

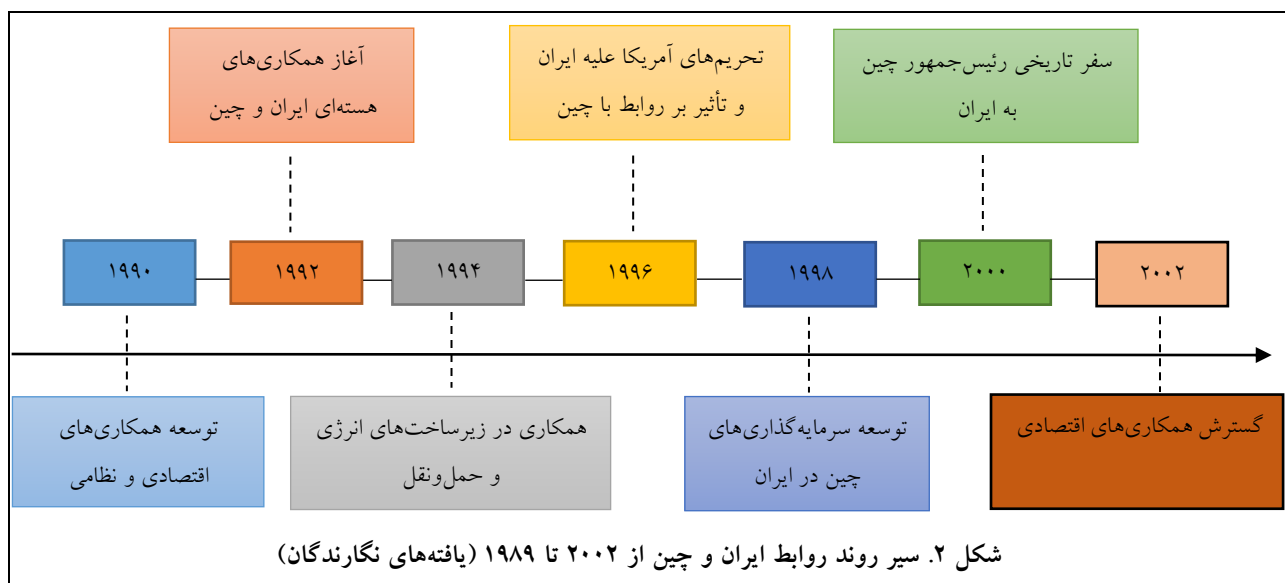
مطابق جدول ۱، روابط ایران و چین طی سال‌های ۱۹۴۹ تا ۱۹۸۹ هرچند در سطح استراتژیک آغاز شد، اما به دلیل عواملی مانند محدودیت‌های اقتصادی، بی‌ثباتی داخلی ایران و فشارهای بین‌المللی علیه چین و ایران، این روابط به سطحی فراتر از همکاری‌های محدود اقتصادی و سیاسی نرسید. با این حال، نقاط قوت نظیر منافع ژئوپلیتیکی مشترک، بی‌طرفی چین در جنگ ایران و عراق و فرصت‌هایی چون تحریم غرب علیه چین و نیاز ایران به بازسازی پس از جنگ، زمینه‌هایی برای گسترش روابط در دهه‌های بعد فراهم آورد. در واقع، این دوره را می‌توان به عنوان مرحله شکل‌گیری پایه‌های اعتماد اولیه و بررسی امکان‌سنجی برای روابط راهبردی میان دو کشور ارزیابی کرد.

۳-۲. دوره ماه عسل روابط ایران و چین (۱۹۸۹-۲۰۰۲):

این دوره از روابط ایران و چین، با یک تقارن تاریخی و ژئوپلیتیکی آغاز شد که در ادبیات سیاسی به عنوان نمادی از هم‌سرنوشتی دو کشور در برابر نظام بین‌الملل غرب‌محور شناخته می‌شود. در سال ۱۹۸۹، همزمان با رحلت بنیان‌گذار جمهوری اسلامی ایران، امام خمینی (ره)، اعتراضات دانشجویی در میدان تیان‌آن‌من پکن به طور خونین سرکوب شد (شکل ۲)؛ رویدادی که به انزوای دیپلماتیک چین و اعمال تحریم‌های اقتصادی شدید از سوی کشورهای غربی به رهبری ایالات متحده انجامید (Çelik, 2022: 105).

در دهه ۱۹۹۰، روابط سیاسی ایران و چین به سرعت گسترش یافت. سفرهای متقابل مقامات بلندپایه، امضای توافق‌نامه‌های همکاری در زمینه‌های سیاسی، نظامی و فرهنگی و مواضع مشابه در نهادهای بین‌المللی، نشانگر نزدیکی دو کشور در این دوره است. با این حال، توسعه روابط اقتصادی با کندی مواجه بود. یکی از چالش‌های اساسی، ناتوانی فنی پالایشگاه‌های چینی در فرآوری نفت ترش ایران بود؛ موضوعی که نیازمند سرمایه‌گذاری سنگین و زمان‌بر برای نصب تجهیزات جدید بود. این نقیصه تا سال ۱۹۹۷ ادامه داشت و در نتیجه، تا آن زمان حجم تجارت دوجانبه نتوانست از ۴۰۰ میلیون دلار عبور کند (Conduit & Akbarzadeh, 2019: 469).

مطابق شکل ۲، تحول بنیادین بعدی در روابط اقتصادی دو کشور، پیوستن چین به سازمان تجارت جهانی در سال ۲۰۰۱ بود؛ عضویتی که منجر به افزایش شتاب‌زده تقاضای انرژی در اقتصاد در حال رشد چین شد. در این مقطع، ایران به عنوان یکی از بزرگ‌ترین دارندگان ذخایر انرژی جهان، به عنوان شریک راهبردی در سیاست انرژی چین مطرح گردید. مدل تهاتری «نفت در برابر کالا» نیز به عنوان پاسخی خلاقانه به محدودیت‌های ناشی از تحریم‌ها پیشنهاد شد؛ الگویی که چین با آغوش باز از آن استقبال کرد (Talebi, 2017: 1).



مطابق شکل ۲، بررسی روابط ایران و چین از سال ۱۹۸۹ تا ۲۰۰۲ نشان می‌دهد که در این دوره، روابط دو کشور وارد مرحله‌ای عملیاتی و متنوع شد که هم در ابعاد نظامی و دفاعی و هم در زمینه‌های اقتصادی، انرژی، فناوری و زیرساختی گسترش یافت. با این حال، این روابط نیز تحت تأثیر مستقیم رقابت‌های قدرت‌های جهانی، به ویژه فشارهای ایالات متحده قرار داشت. در این بازه، چین همزمان با گسترش نقش خود در اقتصاد جهانی، تلاش داشت منافع خود را در خاورمیانه نیز تثبیت کند. تحلیل SWOT در جدول ۲، تصویری راهبردی از این مرحله از روابط ایران و چین به دست می‌دهد.

جدول ۲. تحلیل SWOT روابط ایران و چین (۱۹۸۹-۲۰۰۲)

بُعد/مؤلفه	بحث کلیدی
نقاط قوت	گسترش همکاری‌های اقتصادی و نظامی در اوایل دهه ۱۹۹۰
	نقش مؤثر چین در بازسازی ایران از طریق قراردادهای نفت، نیروگاه و راه‌آهن
	اشتراک نظر در مقابله با سلطه‌طلبی آمریکا و ایجاد زمینه همکاری بلندمدت
نقاط ضعف	توقف یا محدودسازی پروژه‌های حساس به دلیل فشارهای غرب و قانون ILSA
	وابستگی ایران به فناوری و سرمایه چین به دلیل اختلاف سطح صنعتی
	تغییرات مکرر در مواضع سیاست خارجی ایران
فرصت‌ها	نیاز ایران به سرمایه و فناوری زیرساختی و تمایل چین به بازارهای جدید
	فرصت ناشی از نظم جدید آسیایی پس از جنگ سرد
	سفرهای مقامات عالی‌رتبه و تقویت دیپلماسی انرژی
تهدیدها	تحریم‌های فرامرزی آمریکا و افزایش ریسک همکاری شرکت‌های چینی
	فشار آمریکا برای محدودسازی همکاری‌های هسته‌ای و دفاعی چین با ایران
	تداخل منافع چین و ایران در روابط با غرب
منبع: یافته‌های نگارندگان	

طبق جدول ۲، روابط ایران و چین در این دوره با وجود موانع بین‌المللی، به ویژه تحریم‌های ایالات متحده، توانست در مسیر تقویت همکاری‌های اقتصادی و استراتژیک پیش رود. نقاط قوت ناشی از نیاز متقابل دو کشور به تنوع شرکای اقتصادی و مقابله با فشارهای غرب، در کنار فرصت‌هایی مانند مشارکت در پروژه‌های زیرساختی، به توسعه روابط کمک کرد. در عین حال، تهدیدها و ضعف‌هایی مانند فشارهای تحریمی، محدودیت در همکاری‌های نظامی و اختلافات فناورانه، مانعی برای دستیابی به سطحی بالاتر از مشارکت استراتژیک در این دوره بودند. با این حال، این دوره را می‌توان آغاز فاز جدیدی از روابط با محوریت اقتصاد و انرژی دانست که زمینه‌ساز شراکت‌های بلندمدت در دهه‌های بعد شد.

۳-۳. دوران انزوا و تلاش در دولت احمدی‌نژاد (۲۰۱۳-۲۰۰۵):

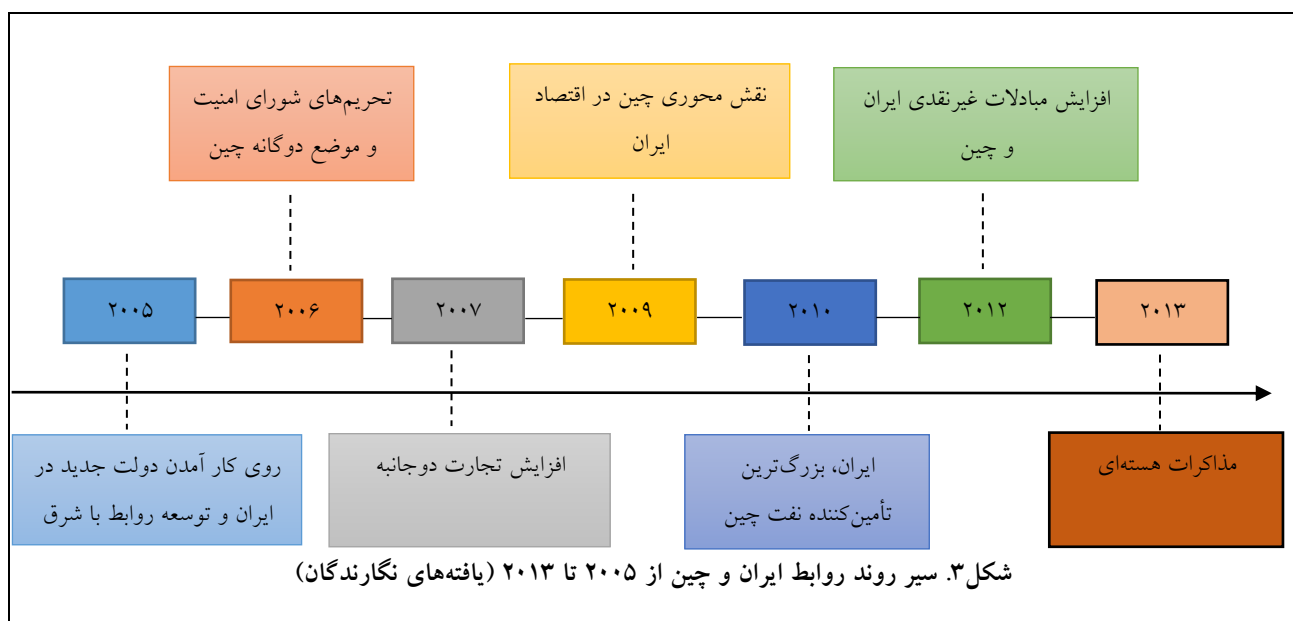
در این دوره، روابط سیاسی ایران و چین با چالش‌هایی جدی مواجه شد. پکن در همراهی با غرب، به ارجاع پرونده هسته‌ای ایران به شورای امنیت رأی مثبت داد و در ادامه نیز از قطعنامه‌های تحریمی علیه ایران حمایت کرد. این رویکرد، به‌ویژه در تضاد با تلاش‌های دیپلماتیک تهران برای تعمیق روابط با چین بود؛ از جمله سفرهای مکرر مقامات ایرانی که با بی‌پاسخی همتایان چینی مواجه شد. عدم سفر رئیس‌جمهور چین، هو جین‌تائو، به ایران نیز نشانه‌ای از فاصله‌گذاری سیاسی پکن با تهران تلقی شد (علی‌پور، ۱۳۹۸: ۱۴).

در این مقطع، ابتکار عمل در روابط دوجانبه عمدتاً از سوی ایران صورت می‌گرفت. سفرهای پیاپی مقامات ایرانی به چین در حالی انجام می‌شد که پکن با احتیاط و در چارچوب ملاحظات راهبردی خود، از گسترش روابط پرهیز داشت. هم‌زمانی دیدارهای دو طرف با سفر مقامات غربی به چین، نشانگر فشار مستمر بر پکن برای همراهی با تحریم‌ها علیه ایران بود (قباسفیدی بایگی، ۱۴۰۱: ۲۱). با این حال، وجه اقتصادی روابط در دولت‌های نهم و دهم به نقطه تمرکز اصلی تبدیل شد. چین با تکیه بر منابع انرژی ایران، ضمن حفظ ملاحظات سیاسی، در قالب قراردادهای نفتی، صنعتی و معدنی تعاملات گسترده‌ای برقرار کرد. تشکیل کمیته مشترک نفت و گاز و فعالیت بیش از ۱۶۰ شرکت چینی در صنعت نفت ایران، نشان‌دهنده عمق این همکاری بود. اما این رشد اقتصادی نیز بیش از آنکه حاصل سیاستی راهبردی مشترک باشد، بازتابی از نیاز چین به انرژی و تلاش ایران برای دور زدن تحریم‌ها بود (افراسیابان، ۱۴۰۱: ۲۳).

در این دوره، روابط اقتصادی ایران و چین با وجود رشد ظاهری، عملاً آسیب‌پذیر و ناپایدار بود. گرچه استراتژی «نگاه به شرق» ایران به افزایش وابستگی تجاری به چین انجامید، اما این وابستگی در عمل نتوانست اقتصاد ایران را از تأثیر تحریم‌های غرب مصون بدارد. چین برخلاف ظاهر همکاری، در عمل منافع خود را در اولویت قرار داد و با

افزایش فشارهای بین‌المللی، شرکت‌های چینی به تدریج از اجرای قراردادهای نفتی و صنعتی با ایران عقب‌نشینی کردند (علی‌پور، ۱۳۹۸: ۲۹). افزایش ۴۳۱ درصدی واردات از چین در دولت‌های نهم و دهم، که عمدتاً شامل کالاهای مصرفی و واسطه‌ای بود، نه تنها کمکی به تقویت زیرساخت‌های اقتصادی ایران نکرد، بلکه ساختار تولید داخلی را نیز تضعیف کرد و اقتصاد کشور را به واردات وابسته‌تر ساخت. در حوزه نظامی نیز، همکاری ایران و چین بیشتر جنبه محرمانه و مقطعی داشت. صادرات محدود تسلیحات چینی به ایران با هدف حفظ روابط در سطحی کنترل‌شده و بدون تحریک جدی غرب انجام می‌شد. چین به‌خوبی از حساسیت این نوع همکاری‌ها آگاه بود و هرگز حاضر نشد از خط قرمزهای تعیین‌شده توسط آمریکا و متحدانش عبور کند (رحیمی‌تبار، ۱۴۰۱: ۲۳).

مطابق شکل ۳، بین سال‌های ۲۰۱۰ تا ۲۰۱۲، سیاست خارجی ایران با رویکردی تهاجمی‌تر و منطقه‌گرا همراه شد. دولت احمدی‌نژاد با تکیه بر درآمدهای بالای نفتی، به دنبال تثبیت موقعیت ایران به‌عنوان یک قدرت منطقه‌ای بود. این دوره با افزایش اعتمادبه‌نفس در سیاست خارجی ایران همراه بود؛ زیرا از یک سو، توان هسته‌ای به‌عنوان ابزار قدرت‌نمایی و بازدارندگی تقویت می‌شد، و از سوی دیگر، خلأهای ژئوپلیتیکی ناشی از تحولات موسوم به بهار عربی، فرصتی را برای ایران فراهم کرد تا دامنه نفوذ خود را در کشورهای عربی، به‌ویژه در حوزه‌های شیعه‌نشین، گسترش دهد (علایی‌پور، ۱۴۰۰: ۸۴).



مطابق شکل ۳، روابط ایران و چین از ۲۰۰۵ تا ۲۰۱۳ با اولویت یافتن سیاست نگاه به شرق و افزایش همکاری‌های اقتصادی آغاز شد. علی‌رغم تحریم‌های شورای امنیت و فشارهای بین‌المللی، چین تلاش کرد تا روابط خود با ایران را حفظ کند و در برخی موارد همچون تحریم‌های نفتی و مبادلات غیرنقدی، راهکارهایی برای ادامه تعاملات تجاری پیدا کرد. در سال ۲۰۱۰، ایران به بزرگ‌ترین تأمین‌کننده نفت چین تبدیل شد و چین نقش کلیدی در

حمایت از مذاکرات هسته‌ای ایران ایفا کرد. این تحولات نشان‌دهنده اهمیت استراتژیک روابط دو کشور است. در جدول ۳، روند تحلیلی این دوره آورده شده است.

جدول ۳. تحلیل SWOT روابط ایران و چین (۲۰۱۳-۲۰۰۵)

بُعد/مؤلفه	بحث کلیدی
نقاط قوت	گسترش روابط به واسطه رویکرد ضدغربی دولت جدید ایران
	رشد تجارت دوجانبه تا بیش از ۲۰ میلیارد دلار
	جایگزینی چین به جای شرکتهای غربی در اقتصاد ایران
نقاط ضعف	وابستگی شدید ایران به چین در نتیجه کاهش شرکای تجاری
	رأی مثبت چین به تحریم‌های شورای امنیت علیه ایران
فرصت‌ها	استفاده از تهاتر، یوآن و طلا در مبادلات برای دور زدن دلار
	حمایت محتاطانه چین از مذاکرات هسته‌ای برای حفظ تعامل ایران با جهان
تهدیدها	فشارهای مکرر آمریکا برای کاهش همکاری چین با ایران
	تحریم‌های چندلایه و تشدید آن در سال‌های پایانی این دوره
منبع: یافته‌های نگارندگان	

مطابق جدول ۳، دوره ۲۰۰۵ تا ۲۰۱۳ را می‌توان دوران تقویت پیوندهای اقتصادی ایران و چین تحت فشار تحریم‌ها دانست. از یک‌سو، ایران با اتخاذ سیاست نگاه به شرق توانست جایگاه چین را در اقتصاد خود پررنگ‌تر کند و مسیرهای جایگزینی برای فروش نفت و تأمین کالاهای اساسی بیابد؛ اما از سوی دیگر، وابستگی بیش از حد به یک بازیگر و رفتار محتاطانه چین در نهادهای بین‌المللی، ظرفیت تعامل راهبردی بلندمدت را با چالش‌هایی مواجه ساخت. در همین حال، ظرفیت‌های نهفته در استفاده از روش‌های غیررایج تجاری مانند تهاتر و نقش چین در مذاکرات هسته‌ای نیز فرصت‌هایی بود که در صورت مدیریت هوشمندانه می‌توانست منافع بلندمدت‌تری برای ایران به ارمغان آورد.

۳-۴. مشارکت جامع استراتژیک در دوره روحانی (۲۰۲۱-۲۰۱۶):

با تشدید برنامه هسته‌ای ایران، تحریم‌های گسترده‌ای از سوی آمریکا و جامعه بین‌المللی اعمال شد که به‌ویژه بانک مرکزی و ساختار مالی کشور را هدف قرار داد و رکود اقتصادی عمیقی پدید آورد. روی کار آمدن دولت روحانی در سال ۲۰۱۳، با شعار اعتدال و تعامل سازنده با جهان، تلاشی برای تغییر این مسیر بود. روحانی کوشید با ایجاد اجماع داخلی میان اصلاح‌طلبان و اصول‌گرایان و ورود به مذاکره با گروه ۵+۱، مسیر رفع تحریم‌ها را هموار سازد. این بازنگری راهبردی در سیاست خارجی، به توافق برجام در سال ۲۰۱۵ منجر شد. با این حال، در فاصله آغاز

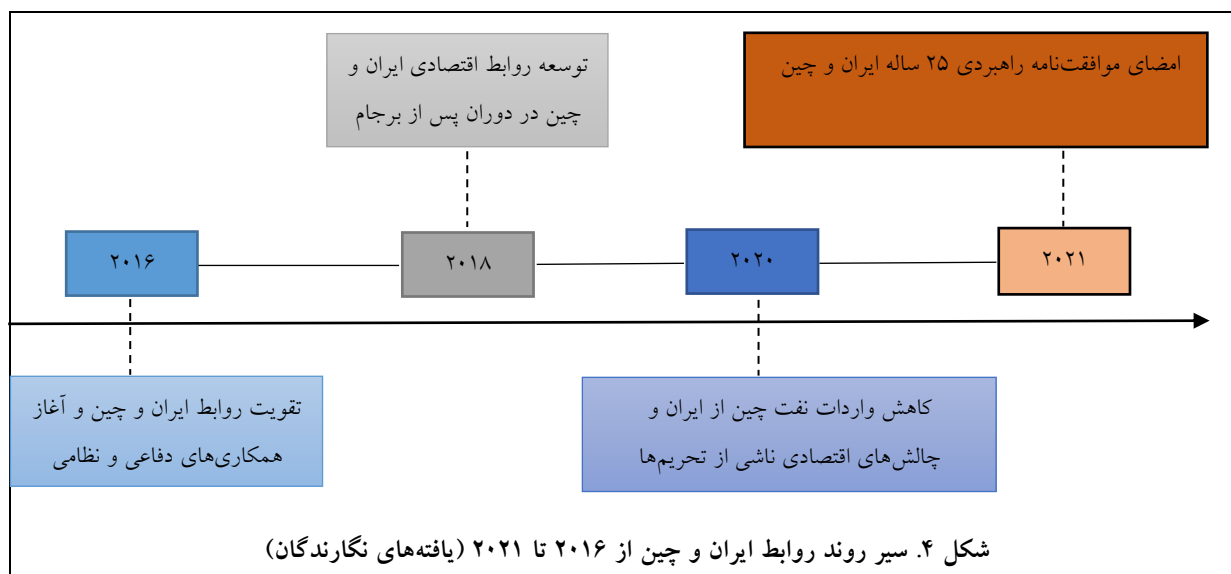
دولت روحانی تا امضای برجام، اقتصاد ایران با سقوط شدید تولید ناخالص داخلی مواجه شد که نشان‌دهنده عمق بحران ناشی از تحریم‌ها و انتظارات بالا از توافق بود (Wuthnow, 2016: 1).

در این دوره، نخبگان سیاسی ایران به این اجماع رسیدند که دستیابی به توافق هسته‌ای به عنوان یک ضرورت در نظر گرفته شود. برای نخستین بار، مقام معظم رهبری از مفهوم "انعطاف قهرمانانه" استفاده کردند و بر اهمیت بهره‌گیری از روش‌های جایگزین در راستای دستیابی به اهداف ملی تأکید نمودند. با این حال، علی‌رغم وجود توافقات داخلی در خصوص لزوم حل و فصل مسائل هسته‌ای، در عرصه سیاست خارجی ایران همچنان اختلافاتی وجود داشت (رحیمی‌النگی، ۱۴۰۰: ۱۶).

تحولات منطقه‌ای ناشی از حملات داعش به عراق و سوریه موجب افزایش حضور نظامی ایران در این مناطق شد. در این شرایط، ایران به منظور کاهش تهدیدات مرزی خود، حضور در سوریه و عراق را به عنوان راهی برای تقویت قدرت منطقه‌ای‌اش در پیش گرفت (صفی‌نژاد، ۱۳۹۸: ۲۴). پس از امضای توافق هسته‌ای، دولت روحانی با انتقادات زیادی از سوی جناح‌های محافظه‌کار مواجه شد که این توافق را به زیان منافع ملی ایران می‌دانستند و معتقد بودند که توافق هسته‌ای، ایران را در حوزه‌های مختلف محدود خواهد کرد. علاوه بر این، دولت اوباما نیز در تلاش بود تا از طریق توافقات دومی و سومی، قدرت منطقه‌ای ایران را تحت کنترل درآورد (دباغی سلطان احمدی، ۱۴۰۲: ۱۹).

در این دوره، تحولات منطقه‌ای و داخلی به نفع ایران پیش رفت و نیروهای عراقی با حمایت ایران توانستند داعش را از موصل بیرون کنند. ایران همچنین با همکاری چین روابط سیاسی و اقتصادی خود را گسترش داد، به ویژه با امضای توافق‌نامه ۲۵ ساله در سال ۲۰۲۱ که بر گسترش روابط در زمینه‌های سیاسی، اقتصادی و فرهنگی تأکید داشت (امیدی سرور، ۱۴۰۲). این توافق در شرایطی امضا شد که ایران به دنبال کاهش فشارهای تحریمی غرب بود. در این راستا، چین متعهد شد که ۴۰۰ میلیارد دلار در بخش‌های مختلف ایران سرمایه‌گذاری کند (Roth, 2021: 2).

طبق شکل ۴، در جریان سفر رئیس‌جمهور چین به ایران، چندین توافق‌نامه اقتصادی امضا کرد که بر گسترش کمربند اقتصادی جاده ابریشم و ایجاد جاده ابریشم دریایی قرن بیست‌ویکم میان ایران و چین تأکید داشت (Zou, 2022: 607). در نهایت، همکاری‌های نظامی ایران و چین در دوران ریاست‌جمهوری روحانی گسترش یافت. پس از لغو تحریم‌ها بر اساس توافق هسته‌ای (برجام)، روابط دفاعی دو کشور، به ویژه در زمینه مبارزه با تروریسم، توسعه یافت (Lee, 2020: 1). این همکاری‌ها با انجام رزمایش‌های مشترک در دریای عمان و گسترش همکاری‌های امنیتی بیشتر همراه بود (Zhang, 2020: 2).



طبق شکل ۴، از سال ۲۰۱۶ تا ۲۰۲۱ روابط دو کشور وارد مرحله‌ای جدید با عنوان «مشارکت جامع استراتژیک» شد. این دوره نقطه عطفی در روابط تهران و پکن به شمار می‌رود، چرا که با امضای موافقت‌نامه ۲۵ ساله و گسترش همکاری‌های اقتصادی، سیاسی و نظامی، زمینه‌ای برای همگرایی بلندمدت فراهم گردید. از یک سو، خروج آمریکا از برجام و افزایش فشارهای غرب بر ایران باعث چرخش هر چه بیشتر تهران به سوی شرق شد و از سوی دیگر، چین نیز در چارچوب پروژه‌های عظیم مانند «ابتکار کمربند-جاده» به دنبال تثبیت نفوذ اقتصادی و ژئوپلیتیکی خود در خاورمیانه بود. این وضعیت، بستری برای شکل‌گیری یک مشارکت پایدار و هدفمند فراهم ساخت که می‌توان ابعاد آن را در جدول ۴ بررسی کرد.

جدول ۴. تحلیل SWOT روابط ایران و چین (۲۰۱۶-۲۰۲۱)

بُعد/مؤلفه	بحث کلیدی
نقاط قوت	توافقات دفاعی و رزمایش‌های مشترک به عنوان نماد اعتماد راهبردی
	تداوم واردات نفت چین در دوران تحریم‌ها
	مشارکت فعال چین در پروژه‌های انرژی، حمل‌ونقل و مناطق ساحلی ایران
	توافق ۲۵ ساله با چشم‌انداز توسعه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و نظامی
نقاط ضعف	کاهش تجارت در برخی سال‌ها مانند ۲۰۲۰ به دلیل فشار تحریم‌ها
	موانع ساختاری و سیاسی در تحقق سریع مفاد توافق ۲۵ ساله
	خلأ ناشی از خروج آمریکا از برجام و عقب‌نشینی غرب
فرصت‌ها	موقعیت جغرافیایی ایران در مسیر پروژه کمربند و جاده
	تعامل سه‌جانبه با چین و روسیه و حضور در سازمان‌های منطقه‌ای
	تحریم‌های ثانویه و ریسک‌گریزی شرکت‌های چینی
تهدیدها	وابستگی به نظام مالی بین‌الملل و مشکل مبادلات دلاری
	روابط همزمان چین با رقبای منطقه‌ای ایران
منبع: یافته‌های نگارندگان	

طبق نتایج جدول ۴، دوره ۲۰۱۶ تا ۲۰۲۱ را می‌توان دوره تثبیت و نهاده‌سازی روابط راهبردی میان ایران و چین دانست. اگرچه چالش‌هایی همچنان پابرجا هستند، اما چین نقش خود را به عنوان یک شریک استراتژیک در ابعاد متنوع ایفا کرده و زمینه را برای تعمیق تعاملات در دوره‌های آتی فراهم نموده است.

۳-۵. روابط ایران و چین در دوره ریاست جمهوری شهید رئیسی (۲۰۲۱-۲۰۲۴):

شهید رئیسی از نظر ایدئولوژیک و دینی، گرایشی به تفکرات کمونیستی و سوسیالیستی نداشت و این اندیشه‌ها را مخالف باورهای خود می‌دانست. اما از لحاظ اقتصادی، او اقتصاد تعاونی و دولتی را بر اقتصاد سرمایه‌داری ترجیح می‌داد. مشابه رهبر معظم انقلاب، وی جهان آینده را چندقطبی می‌دید که در آن آمریکا در حال افول است و بازیگران جدیدی مانند چین در حال ظهور هستند (Raisi, 2021: 1).

رویکرد "نگاه به شرق" در دوران ریاست جمهوری شهید رئیسی، به نظر نمی‌رسد صرفاً ناشی از اجبار شرایط جهانی باشد، بلکه به عنوان یک انتخاب استراتژیک مطرح شده است. شهید رئیسی و تیم اصولگرایی وی به طور قاطع بر نفی غرب‌گرایی تأکید کرده و "نگاه به شرق" را به عنوان یک تعادل در سیاست خارجی ایران، به ویژه در مقایسه با گرایش‌های غربی دوران دولت روحانی، مطرح می‌کردند (امیدی سرور، ۱۴۰۲: ۲۶). شهید رئیسی به عنوان فردی انقلابی و ولایت‌مدار، تصمیمات خود را بر اساس فرمایشات رهبری تنظیم می‌کرد و در راستای سیاست "نگاه به شرق" حرکت می‌کرد. این رویکرد توانست انتظارات جریان سیاسی حامی او مبنی بر توقف غرب‌گرایی دولت روحانی را تا حدی برآورده کند (زینعلی، ۱۴۰۱: ۲۵).

در این دوره، دیوان‌سالاری اداری ایران نشان‌دهنده هم‌صدایی و حمایت از سیاست "نگاه به شرق" است که وزارت امور خارجه را در پیگیری این سیاست مطمئن‌تر کرد. مشکلات اقتصادی ناشی از تحریم‌ها و وعده‌های رئیس‌جمهور شهید برای تحقق عدالت و مبارزه با فساد نیاز به تأمین منابع مالی و جذب سرمایه‌گذاری خارجی را در این دوره افزایش داد. در این شرایط، چین به عنوان اصلی‌ترین شریک برای سرمایه‌گذاری در ایران به ویژه در پروژه «یک کمربند، یک جاده» مطرح شد (Raisi, 2021: 1).

در دوران ریاست جمهوری شهید رئیسی، سیاست «نگاه به شرق» به عنوان یک رویکرد استراتژیک برای مقابله با چالش‌های اقتصادی، سیاسی و تحریم‌های غربی مورد توجه قرار گرفت. این سیاست نه تنها به گسترش روابط با کشورهای شرقی، به ویژه چین و روسیه، بلکه به جلب سرمایه‌گذاری خارجی و تقویت اقتصاد کشور نیز منجر شد. در این راستا، نقاط قوت و فرصت‌های این سیاست به همراه تهدیدات و چالش‌های پیش‌رو مورد توجه قرار گرفته است. جدول ۵ به طور دقیق این ابعاد را تجزیه و تحلیل کرده و نقاط قوت و ضعف موجود در پیاده‌سازی این سیاست را بررسی می‌کند.

جدول ۵. تحلیل SWOT روابط ایران و چین (۲۰۲۱-۲۰۲۴)

بُعد/مؤلفه	بحث کلیدی
نقاط قوت	پیگیری سیاست «نگاه به شرق» با رویکرد انقلابی و ولایت‌مدارانه
	انسجام ساختار قدرت و حمایت نهادهای حاکمیتی از این راهبرد
نقاط ضعف	تمرکز افراطی بر چین و روسیه و کاهش تعامل با سایر کشورها
	کاهش تنوع در سیاست خارجی و افزایش ریسک وابستگی
فرصت‌ها	تضعیف هژمونی آمریکا و تقویت نقش قدرت‌های شرقی
تهدیدها	اولویت‌دادن چین و روسیه به منافع خود در مواقع حساس
	محدودیت‌های ساختاری اقتصاد و سیاست ایران در بهره‌برداری از فرصت‌ها
منبع: یافته‌های نگارندگان	

براساس نتایج جدول ۵ می‌توان چنین نتیجه گرفت که سیاست «نگاه به شرق» در دولت شهید رئیسی با بهره‌گیری از انسجام داخلی و تغییرات در نظام بین‌الملل، تلاش کرد تا جایگاه ایران را در عرصه جهانی تقویت کند. با این حال، وابستگی به شرکای شرقی و محدودیت‌های ساختاری داخلی، چالش‌هایی را برای این سیاست به همراه داشت. برای موفقیت بلندمدت، تنوع‌بخشی به روابط خارجی و اصلاحات داخلی ضروری به نظر می‌رسد.

۳-۶. روابط ایران و چین در دوره ریاست‌جمهوری پزشکیان (۲۰۲۴ به بعد):

در دوره ریاست‌جمهوری مسعود پزشکیان، سیاست خارجی ایران به ویژه در قبال چین، با توجه به تحولات جهانی و منطقه‌ای، دستخوش تغییرات اساسی خواهد شد. در این دوره، رویکرد «نگاه به شرق» به‌ویژه در همکاری با کشورهای آسیایی همچون چین و روسیه به عنوان شرکای استراتژیک در ساختار جهانی جدید، تقویت خواهد شد. پزشکیان با درک تحولات نظام بین‌الملل، به ویژه ظهور قدرت‌های جدید در آسیا، به دنبال شکل‌دهی به یک سیاست خارجی مستقل و متوازن است که در آن ایران بتواند در نظم جهانی نوظهور نقش مؤثری ایفا کند (مرکز بین‌المللی مطالعات صلح، ۱۴۰۳: ۱).

در یادداشت اخیر پزشکیان که تحت عنوان «پیام من به جهان جدید» در تهران تایمز منتشر شد، او به وضوح از تغییرات بنیادین در نظام بین‌الملل سخن گفته و بر این باور است که دوران «جهان قدیم» رو به پایان است و جهانی جدید در حال شکل‌گیری است. در این چارچوب، همکاری با چین را یکی از اولویت‌های اساسی سیاست خارجی دولت خود معرفی کرده است. چین، به عنوان یکی از بازیگران کلیدی در نظم جهانی نوین، در دوران‌های سختی همواره دوست و پشتیبان ایران بوده است. پزشکیان با اشاره به «نقشه راه ۲۵ ساله ایران و چین»، این سند را گامی اساسی در جهت ایجاد شراکت جامع و راهبردی میان دو کشور می‌داند که می‌تواند به نفع هر دو طرف باشد (Tehran Times, 2024: 1).

یکی از ویژگی‌های برجسته سیاست خارجی پزشک‌پژشکیان، تأکید بر اهمیت همکاری‌های منطقه‌ای است. او روابط با کشورهای همسایه ایران را به‌عنوان اولویت نخست دولت خود می‌داند و بر ضرورت تحکیم روابط با کشورهای همچون ترکیه، عربستان سعودی، عراق، امارات و دیگر کشورهای حوزه خلیج فارس تأکید دارد. پزشک‌پژشکیان همچنین بر لزوم ایجاد یک منطقه قوی و مستقل که تحت تسلط هیچ قدرت خارجی نباشد، تأکید می‌کند. علاوه بر این، او روابط با روسیه را نیز یک اولویت استراتژیک برای ایران می‌داند. پزشک‌پژشکیان روسیه را هم‌پیمان راهبردی و همسایه‌ای حیاتی برای ایران توصیف کرده و همکاری‌های دو کشور را در قالب‌های مختلفی مانند بریکس، سازمان همکاری شانگ‌های و اتحادیه اقتصادی یورآسیا ضروری می‌داند (مرکز بین‌المللی مطالعات صلح، ۱۴۰۳: ۱).

به طور کلی، سیاست خارجی پزشک‌پژشکیان در قبال چین و سایر کشورهای آسیایی بر اساس دو محور اساسی است: نخست، تأکید بر ایجاد شراکت‌های راهبردی در قالب نظم جهانی نوین و دوم، تقویت روابط منطقه‌ای برای جلوگیری از تسلط یکجانبه قدرت‌های خارجی. پزشک‌پژشکیان معتقد است که ایران باید در این نظم جدید جهانی با همکاری نزدیک‌تر با چین و روسیه، موقعیت خود را تثبیت کرده و از تحولات جهانی بهره‌برداری کند.

۴. نتیجه‌گیری

روابط ایران و چین طی پنج دهه گذشته، مسیری پرنوسان و چندمرحله‌ای را از تعامل محدود و ناپایدار تا رسیدن به آستانه یک شراکت جامع و راهبردی طی کرده است. تحلیل راهبردی این روابط بر مبنای الگوی SWOT در دوره‌های تاریخی مختلف نشان می‌دهد که در دهه‌های آغازین، روابط ایران و چین در بستر جنگ سرد و در سایه نگرانی متقابل از نفوذ شوروی آغاز شد. در این مرحله، اگرچه تعاملات اقتصادی محدود و بیشتر نمایشی بود، اما می‌توان آن را سرآغاز شکل‌گیری نوعی بستر اعتماد اولیه و آزمون ظرفیت‌های همکاری دانست.

با وقوع انقلاب اسلامی ایران در سال ۱۳۵۷، اگرچه اشتراکاتی در گفتمان ضدآمریکایی میان ایران و چین پدید آمد، اما ساختار ناپایدار سیاست داخلی ایران، جنگ تحمیلی و نگاه آرمان‌گرایانه سیاست خارجی در ابتدای انقلاب، مانع از گسترش روابط راهبردی با چین شد. در این مرحله، چین گرچه از سیاست‌های ضدسلطه ایران استقبال کرد، اما محتاطانه عمل نمود و روابط را در چارچوب منافع ملی و پرهیز از ورود به تعارضات منطقه‌ای نگه داشت. اگرچه در این دوره، مواضع مشترک ضدامپریالیستی، نیاز ایران به تأمین تسلیحات و پشتیبانی صنعتی در شرایط تحریم و همزمانی با آغاز اصلاحات اقتصادی در چین، بسترهایی برای تعامل فراهم کرد. اما، بی‌ثباتی در تصمیم‌گیری، فقدان دستگاه دیپلماسی کارآمد و اختلافات تاکتیکی در سیاست‌های منطقه‌ای، مانع تعمیق روابط شد.

در دوره پساجنگ، با شروع برنامه‌های بازسازی و اصلاحات اقتصادی، سیاست تنش‌زدایی و دیپلماسی عمل‌گرا در دستور کار دولت ایران قرار گرفت. چین به عنوان کشوری در حال رشد با تجربه توسعه صنعتی و نیاز به انرژی، توجه ایران را جلب کرد. روابط به تدریج وارد فاز اجرایی‌تری شد و در حوزه‌هایی همچون انرژی، زیرساخت، حمل‌ونقل و ارتباطات، پروژه‌های مشترک آغاز شد. در این دوره، سفرهای رسمی، امضای توافقات اولیه و گسترش تدریجی تعاملات در سطوح مختلف در ایران صورت گرفت.

در دوران دولت احمدی‌نژاد، با تشدید تحریم‌های غرب به دلیل پرونده هسته‌ای، ایران ناگزیر به تقویت روابط با شرق و به ویژه چین روی آورد. چین که به یکی از معدود شرکای اقتصادی و دیپلماتیک ایران بدل شده بود، در این دوره نقشی کلیدی در دور زدن تحریم‌ها، خرید نفت، تأمین کالاهای مصرفی و تجهیزات صنعتی ایفا کرد. روابط اقتصادی، نفتی و حتی نظامی گسترش یافت و قراردادهای متعددی بدون نظارت شفاف منعقد شد. در این چارچوب، قوت‌هایی چون ظرفیت صادرات نفت به چین، نقش حمایتی نسبی چین در نهادهای بین‌المللی و تداوم تعاملات در شرایط انزوای ایران قابل توجه است. با این حال، ضعف‌هایی چون نبود شفافیت در قراردادهای، عدم انتقال فناوری نوین، سوءاستفاده برخی پیمانکاران چینی و شکل‌گیری نارضایتی عمومی از کیفیت پایین کالاها، لطمه‌هایی جدی به وجهه این شراکت وارد ساخت.

در دوره روحانی، تلاش برای متوازن‌سازی سیاست خارجی و استفاده از دیپلماسی چندجانبه با محوریت برجام، منجر به احیای روابط با قدرت‌های جهانی از جمله چین شد. امضای سند همکاری ۲۵ ساله با چین به عنوان نقطه عطفی در این مسیر قلمداد می‌شود که هدف آن نهادینه‌سازی همکاری‌های بلندمدت و متنوع در حوزه‌های اقتصادی، فرهنگی، فناوری و امنیتی بود. در این مرحله، تمرکز بر توسعه تجارت غیرنفتی، تعاملات دانشگاهی و مشارکت در طرح کمربند و راه، روابط را در مسیری نسبتاً ساختاری و پایدار قرار داد. در این دوره، تثبیت چارچوب همکاری، گسترش روابط چندسطحی و تلاش برای افزایش نقش ایران در ابتکارات منطقه‌ای برجسته است. با این حال، ضعف‌هایی مانند فقدان انسجام در سیاست‌گذاری داخلی، بوروکراسی ناکارآمد و بی‌اعتمادی عمومی به انگیزه‌های چین، به کندی اجرای اسناد همکاری انجامید.

با روی کار آمدن دولت شهید رئیسی، سیاست تمرکز بر شرق‌گرایی فعال، عضویت رسمی در سازمان همکاری شانگهای و پیگیری عملیاتی‌سازی سند ۲۵ ساله تقویت شد. ایران تلاش کرد در ابتکار کمربند و راه نقش پررنگ‌تری ایفا کند و همزمان همکاری‌های امنیتی و اقتصادی با چین را گسترش دهد. تثبیت سطح روابط راهبردی، تقویت پیوندهای نهادی در حوزه‌های زیرساختی و انرژی و هماهنگی سیاسی در برخی مواضع منطقه‌ای، این دوره را متمایز ساخت. با این حال، ضعف‌هایی همچون تأخیر در بهره‌برداری از فرصت‌های عضویت در شانگهای، فقدان ظرفیت جذب سرمایه‌گذاری و عدم اصلاح ساختار اقتصادی داخلی، مانع تحقق کامل اهداف شد.

در ابتدای دوره دولت دکتر پزشکیان، اگرچه سیاست‌های خارجی هنوز در حال تکوین و تثبیت‌اند، اما شواهد اولیه حاکی از تداوم مسیر همکاری راهبردی با چین در قالبی متوازن‌تر، هدفمندتر و واقع‌بینانه‌تر است. تأکید بر توسعه روابط علمی، فناوری‌محور، فرهنگی و افزایش سهم ایران در زنجیره ارزش منطقه‌ای از رویکردهای جدید محسوب می‌شود. همچنین، تجربه انباشته پنج دهه تعامل با شرق، آشنایی سیاست‌گذاران ایرانی با مدل‌های چینی توسعه و تقویت زیرساخت‌های نهادی برای جذب سرمایه خارجی، در این مسیر نقش‌آفرین است.

به طور کلی، می‌توان گفت که روابط ایران و چین طی پنج دهه گذشته، از یک اتحاد ناپایدار، گسسته و تاکتیکی، به تدریج به سمت شراکت جامع و راهبردی در حال تحول است. این تحول نه بر مبنای اتحاد ایدئولوژیک، بلکه متکی بر منافع ملی، ضرورت‌های ژئوپلیتیکی و واقع‌گرایی راهبردی شکل گرفته است. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که این تحول، حاصل تعامل پویا و چندسویه میان متغیرهای درونی و بیرونی است؛ به گونه‌ای که نقاط قوت نظیر موقعیت ژئوپلیتیکی ایران و ظرفیت‌های انرژی، در کنار فرصت‌هایی چون نیاز فزاینده چین به منابع پایدار و راهبرد چندجانبه‌گرایی آن، توانسته‌اند بر تهدیدها و ضعف‌ها غلبه کرده و مسیر همگرایی را هموار سازند.

در این میان، فرضیه اصلی پژوهش که بر نقش ترکیبی و متعامل عوامل داخلی و خارجی در شکل‌گیری شراکت جامع تأکید داشت، تأیید شد. این در حالی است که فرضیه‌های رقیب، نظیر این‌که روابط ایران و چین صرفاً پاسخی تاکتیکی به تحریم‌ها بوده یا این‌که تنها فشار بازیگران بین‌المللی چون آمریکا مسیر این روابط را تعیین کرده‌اند، از منظر داده‌های پژوهش فاقد جامعیت و پایداری تحلیلی لازم هستند. شواهد تجربی حاکی از آن است که روابط تهران و پکن از مرحله واکنش منفعلانه به فشارها، عبور کرده و به سمت یک رویکرد راهبردی و مبتنی بر انتخاب هدفمند و بلندمدت سوق یافته‌اند.

هرچند موانعی نظیر نبود نهادسازی شفاف، ضعف دیپلماسی تخصصی و بی‌اعتمادی عمومی نسبت به نیت‌های چین، همچنان وجود دارد، اما شواهد حاکی از آن است که دو کشور با درک الزامات نظم نوین جهانی و ضرورت تنوع‌بخشی به شرکای خارجی، در حال پی‌ریزی الگویی پایدارتر، ساختاریافته‌تر و فرصت‌محور از همکاری هستند. به این ترتیب، روابط ایران و چین، از یک تعامل محدود و واکنشی، با عبور از مراحل مختلف سازگاری و همگرایی، در حال تبدیل شدن به نوعی شراکت جامع و استراتژیک است که می‌تواند به الگویی نوین در تعاملات قدرت‌های نوظهور در نظام بین‌الملل تبدیل شود.

منابع

- افراسیابان، وحید. (۱۴۰۱). نقش ایران در روابط چین و رژیم صهیونیستی (۱۴۰۰-۱۳۸۸). پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه طباطبائی.

- امیدی سرور، پریسا. (۱۴۰۲). بررسی نقش اقتصادی چین بر اقتصاد سیاسی ایران در دولت یازدهم و دوازدهم. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه گیلان.
- ترکی، هادی و قربانی شیخ نشین، ارسلان. (۱۴۰۲). واکاوی ظرفیت زمینه‌ای اقتصادی و سیاسی ایران در مشارکت جامع راهبردی با چین. فصلنامه سیاست جهانی، ۱۲(۴)، ۲۴۹-۲۷۰.
- دباغی سلطان احمدی، جواد. (۱۴۰۲). بررسی سیاست خارجی چین در قبال ایالات متحده آمریکا و تاثیر آن بر روابط این کشور با ایران در دوره شی جین پینگ (۲۰۱۲ تا ۲۰۲۱). دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره).
- درج، حمید. (۱۴۰۲). بررسی ابعاد همکاری‌های ایران و چین و دلایل عدم شکل‌گیری روابط استراتژیک میان طرفین. فصلنامه مطالعات انقلاب اسلامی، ۲۰(۷۵)، ۱۵۲-۱۳۱.
- رحیمی النگی، ابوالفضل. (۱۴۰۰). روابط اقتصادی ایران و چین در دوران تحریم آمریکا بین سال‌های ۲۰۱۰-۲۰۲۰. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه مازندران.
- رحیمی تبار، محمد. (۱۴۰۱). امکان‌سنجی شکل‌گیری روابط راهبردی ایران و چین با تاکید بر قرارداد ۲۵ ساله. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه امام صادق (ع).
- زینعلی، حسین. (۱۴۰۱). دیپلماسی اقتصادی چین در آسیای مرکزی و تاثیر آن بر منافع ملی جمهوری اسلامی ایران. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه محقق اردبیلی.
- شریعتی، شهروز و ترکی، هادی. (۱۴۰۳). ارزیابی تطبیقی رویکرد ایران و چین در فرایندهای بین‌المللی انتقال قدرت. فصلنامه مطالعات بین‌المللی، ۲۱(۲)، ۷۵-۹۵.
- شعبان‌زاده، ایمان؛ غفاری‌زاده، مهرشاد و آسیابان، امید. (۱۴۰۳). قدرت نرم چین و راهبرد آن در غرب آسیا. فصلنامه مطالعات بنیادین و کاربردی جهان اسلام، ۶(۲)، ۱۲۹-۱۶۵.
- صفی‌نژاد، ابوالحسن. (۱۳۹۸). ناسیونالیسم اقتصادی جمهوری خلق چین و تاثیر آن بر روابط راهبردی (سیاسی و اقتصادی) این کشور با جمهوری اسلامی ایران (۲۰۰۱-۲۰۱۷). پایان‌نامه دکتری تخصصی، دانشگاه خوارزمی.
- علایی‌پور، فرشته و کاشیان، عبدالمحمد. (۱۴۰۱). تاثیر مؤلفه‌های اقتصادی قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران بر توسعه روابط تجاری با چین. فصلنامه مطالعات قدرت نرم، ۱۲(۱)، ۵۷-۸۲.
- علی‌پور، حسین. (۱۳۹۸). توسعه روابط چین-اسرائیل در هزاره جدید: واکاوی سناریوهای تهدیدزا برای ایران. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شیراز.
- قباسفیدی بایگی، سیده الهام. (۱۴۰۱). آینده‌پژوهی روابط ژئوپلیتیک ایران و چین در افق ۲۰۳۰. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه فردوسی مشهد.
- مرکز بین‌المللی مطالعات صلح. (۱۴۰۳). تحلیل مضمون یادداشت مسعود پزشکیان؛ خطوط کلی و جهت‌گیری سیاست خارجی دولت چهاردهم.
- وفامند، زهرا و ارغوانی پیرسلامی، فریبر. (۱۴۰۳). رقابت‌های منطقه‌ای و دیپلماسی اقتصادی چین در زیرسیستم خلیج فارس در سده بیست و یکم. فصلنامه مطالعات بنیادین و کاربردی جهان اسلام، ۶(۲)، ۲۷۱-۳۰۳.

- Belal, K. (2020). China-Iran relations: Prospects and complexities. *Policy Perspectives*, 17(2), 47-66.
- Caba-Maria, F. (2021). Iran–China relations: a game changer in the eastern world. *The Geopolitics of Iran*, 245-273.
- Çelik, Y. (2022). An Overview of China-Iran Relations and its Impact on Central Asia. *Asya Araştırmaları Uluslararası Sosyal Bilimler Dergisi*, 6(1), 103-114.
- Conduit, D. Akbarzadeh, S. (2019). Great power-middle power dynamics: The case of China and Iran. *Journal of Contemporary China*, 28(117), 468-481.
- Dolatabadi, A. B. (2018). The future of Iran-China relations: an alliance or pure cooperation? *Сравнительная политика*, 9(1), 60-73.
- Fan, H. (2022). China–Iran relations from the perspective of Tehran’s look east approach. *Asian Affairs*, 53(1), 51-67.
- Farrokhnia, M. Banihashem, S. K. Noroozi, O. Wals, A. (2024). A SWOT analysis of ChatGPT: Implications for educational practice and research. *Innovations in education and teaching international*, 61(3), 460-474.
- Heriyanto, H. Oktavianda, M. Sihombing, G. K. H. (2022). SWOT Analysis in Facing the Quality 2024 Elections at the Regional General Election Commission of Kubu Raya Regency, West Kalimantan. *LEGAL BRIEF*, 11(4), 2268-2275.
- Hussain, M. Jamali, A. B. Nisar, R. D. Omar, A. (2024). The China–Iran strategic deal and CPEC: Navigating the influence of pragmatic balancing in China's relations with Iran and Pakistan. *Politics & Policy*, 52(1), 227-244.
- Irawati, S. Juniar, A. Handayani, S. A. (2024). SWOT Analysis of Participation in Governance (Study at UNUKASE). *Asian Journal of Management, Entrepreneurship and Social Science*, 4(03), 927-947.
- Kauffman, B. R. (2022). *Motivations and Limitations in Iran-China Relations* (Doctoral dissertation, Monterey, CA; Naval Postgraduate School).
- Lee, S. (2020). “Defying U.S., China and Iran Near Trade and Military Partnership”, Available at: <https://www.nytimes.com/2020/07/11/world/asia/china-iran-trade-military-deal.html>, (Accessed on: 10/5/2020).
- Mashwani, H. F. Shahzad, S. Niz, M. T. Zulfiqar, A. Akbar, M. (2024). China’s growing influence in the Middle East politics: the shifting Saudi-Iran rivalry to rapprochement. *Arbor*, 11(1), 29-52.
- Mokhtari, J. (2024). Reflections on the Development of Strategic Relations between Iran and China. In *Soft Power and Diplomatic Strategies in Asia and the Middle East*, 132-145. IGI Global.
- Puyt, R. W. Lie, F. B. Wilderom, C. P. (2023). The origins of SWOT analysis. *Long range planning*, 56(3), 1-24.
- Roth, T. (2021). China-Iran Relations: A Limited but Enduring Strategic Partnership, Available at: https://www.uscc.gov/sites/default/files/2021-06/China-Iran_Relations.pdf, (Accessed on: 11/12/2021).
- Tahir, M. H. Tabassum, A. Shahzad, T. (2024). China-Iran Relations and their Impact on Regional Stability; Strategic Imperatives and Geopolitical Ramifications. *Pakistan Vision*, 25(2), 36-51.
- Talebi, S. (2017). Iran-China relations: an Iranian perspective. Dalam [https://www. twai. it/magazines/iran-china-relations-an-iranian-perspective](https://www.twai.it/magazines/iran-china-relations-an-iranian-perspective).
- Tehran Times. (2024). My message to the new world. <https://www.tehrantimes.com/news/501077/My-message-to-the-new-world>.
- Wuthnow, J. (2016). Posing problems without an alliance: China-Iran relations after the nuclear deal.
- Zhang, Sh. (2020). “The 25-Year Agreement between China and Iran: A Continuation of Previous Policy”, Available at: <https://www.washingtoninstitute.org/pdf/view/1060/en>, (Accessed on: 12/12/2021).
- Zou, L. Shen, J. H. Zhang, J. Lee, C. C. (2022). What is the rationale behind China's infrastructure investment under the Belt and Road Initiative. *Journal of Economic Surveys*, 36(3), 605-633.

- Zhou, L. (2024). How the first revolution affected the second: The setback of 1927 for the Chinese Communist Party Revolution in the 1920s. *Modern Asian Studies*, 58(2), 448-484.

Strategic Analysis of Iran-China Relations: From an Unstable Alliance to a Comprehensive Strategic Partnership

Abstract

The relationship between Iran and China has always been accompanied by changes and challenges over time. This study examines the evolution of bilateral relations from an unstable alliance to a comprehensive strategic partnership. The main research question is: How have the relations between Iran and China evolved from an unstable alliance to a strategic partnership? The SWOT analysis in this study revealed that the relations between the two countries have gradually progressed from a limited, tactical level to a comprehensive and strategic partnership. This transformation has not been based on ideological alliances, but rather shaped by national interests, geopolitical necessities, and strategic realism. Key factors such as mutual dependence in energy, complementary economic needs, and alignment in the face of international pressures have played significant roles in this process. However, barriers such as the lack of a sustainable foreign policy strategy in Iran, institutional inefficiency, and public distrust of China's intentions have hindered the full realization of the potential of these relations. Additionally, threats like regional power competition and Iran's delay in economic reforms present challenges for the future of bilateral ties. Ultimately, Iran-China interaction has evolved from a process of mutual evaluations to a purposeful synergy, and it has the potential to serve as a new model of partnership for non-Western powers in the emerging international order. This study is conducted with a descriptive-analytical approach and a SWOT analysis framework.

Keywords: Iran, China, unstable alliance, comprehensive strategic partnership, Iran's foreign policy.